

نگرش فلسفی - فقهی کلان به مقوله سلامت معنوی از منظر اسلام (قسمت سوم)

علیرضا اعرافی^{۱*}

چکیده

زمینه و هدف: هدف این مقاله، تبیین نظریه جامع معنویت از منظر اسلام است. این نظریه واجد ابعاد «کلامی فلسفی»، «فقهی حقوقی»، «اخلاقی ارزشی» و «تاریخی تمدنی» است و علاوه بر تعالی بخشی معنوی، می تواند در پیشگیری و درمان نابه سامانی های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی به کار گرفته شود.

روش: این نوشتار با استفاده از قرآن کریم، نهج البلاغه و متون و مستندات مذهبی تدوین شده است.

یافته ها: بنا بر نظریه کلان معنویت از نگاه اسلام و اهل بیت علیهم السلام معنویت دارای ویژگی های زیر است:

فراساحتی، جامع عاطفه، عقلانیت و استدلال، جامع ابعاد دنیوی و اخروی، دارای ابعاد درونی و مناسکی، جامع ابعاد فردی و اجتماعی، دارای اهتمام به سلامت جسمی، روحی و روانی، عجین با سبک زندگی و الهام بخش زیست معنوی، الفاکنده حس معنوی در لایه های درونی و ماورایی، نظام وار، منسجم، متوازن، ضابطه مند، برخوردار از توحیدی و قدسی، اتصال به ولایت الهی، فطری و در عین حال اختیاری، دارای مراتب و برخوردار از بعد درمانی و تعالی بخش.

نتیجه گیری: نظریه کلان معنویت اسلامی، علاوه بر تعالی بخشی می تواند در درمان و پیشگیری مشکلات جسمی، روحی، روانی و اجتماعی نیز به کار رود. شایسته است این نظریه به کمک نگرش اجتهادی استخراج شود و تمام پژوهش ها و اقدامات حوزه سلامت معنوی مبتنی بر این نظریه انجام شود.

کلید واژه ها: اسلام، سلامت معنوی، سلامتی، معنویت

مقدمه

۴. منظر دین مبین اسلام به طور عام: بحث سلامت و بیماری معنوی

از منظر اسلام - به معنای فرا مذهبی آن - نیز قابل بررسی است.

۵. منظر شیعه و معارف اهل بیت علیهم السلام در منظر پنجم،

سلامت و بیماری معنوی یا هنجار و ناهنجاری معنوی از نگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام و شیعیان مورد بررسی قرار می گیرد.

پنج منظر مذکور، از عام به خاص مرتب شده اند و شاخص های موجود در آن ها نیز از تعیین کمتر و کلیت بیشتر به سمت تعیین و تشخیص بیشتر

حرکت می کنند. به بیان دیگر، در منظر عام و کلان بشری، به شاخص ها و عناصری کلی و نامتعیین اشاره می شود؛ در منظر دینی عام، این شاخص ها،

تعیین بیشتری پیدا می کنند. در منظر ادیان ابراهیمی و مبتنی بر رسالت و ارتباط رسول با عالم غیب، تعیین این شاخص ها افزایش می یابد. در واقع،

در منظرهای خاص تر، ضوابط و معیارهای دقیق تری برای شاخص های معنویت ایجاد می شود. از این رو، در منظر عام اسلامی، شاخص ها و ضوابط

بیشتری نسبت به منظرهای پیشین وجود دارد. همچنین در منظر شیعی و معارف اهل بیت بیشترین تعیین و ضوابط و شاخص های دقیقی و

بحث سلامت معنوی و نظریه معنویت از پنج منظر قابل مطالعه و

بررسی است:

۱. منظر عام انسانی: بشر دارای بعد و کشش معنوی است و از منظر عام انسانی می توان هنجارها و ناهنجاری هایی برای بشر تعریف کرد. بنابراین سلامت معنوی می تواند از منظر عام انسانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

۲. منظر ادیان گوناگون: ادیان موجود در جوامع گوناگون به بررسی سلامت و بیماری معنوی می پردازند. این ادیان - اعم از ادیان شرقی از قبیل بودیسم و هندوئیسم و ادیان ابراهیمی - در این نوع مباحث، از نقاط مشترک و نقاط افتراقی برخوردار هستند. نقاط مشترک این مباحث می تواند مبنای شناخت سلامت و بیماری معنوی از منظر ادیان قرار گیرد.

۳. منظر ادیان توحیدی و ابراهیمی: مباحث مرتبط با سلامت و بیماری معنوی در ادیان توحیدی و ابراهیمی مانند یهود، مسیحیت و اسلام نیز تجسم یافته است.

۱. * نویسنده مسئول: رییس حوزه های علمیه سراسر کشور

انسان نقش دارد. در قرآن کریم به برخورداری انسان از فطرتی الهی اشاره شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱.

۳. اختیاری و اکتسابی بودن: در حس معنوی انسان عوامل محیطی، خانوادگی، اجتماعی و سایر عوامل پیرامونی می‌توانند اثرگذار باشند؛ اما در نهایت، جهت‌گیری‌های آن اختیاری و اکتسابی محسوب می‌شوند و انسان با اختیار خویش می‌تواند حس معنوی‌اش را تعمیق یا گسترش دهد.

۴. تشکیکی و دارای مراتب بودن: برای معنویت مراتب گوناگونی وجود دارد؛ برخی از مراتب معنویت و احساس معنوی در دسترس تمام افراد است و تمام انسان‌ها در آن اشتراک دارند؛ اما این حس معنوی قابل تصعید و نیل به مراتب بالاتر است. مراتب معنویت در دانش‌های گوناگونی مانند اخلاق و عرفان بررسی و تبیین شده‌اند. البته بنیادهای نظام طولی و تشکیکی معنویت در منطق دینی و به وسیله آیات و روایات تبیین شده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّ الْأَيْمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ آ». بنا بر این روایت، ایمان به نزدیکی تشبیه شده که ده مرتبه دارد و مؤمنان به تدریج از آن صعود می‌کنند.

۵. جامعیت: معنویت اسلامی، جامع است. برای جامعیت معنویت اسلامی، منظرهای گوناگونی می‌توان بیان کرد:

۱.۵. توجه همزمان به سلامت جسمی و روحی: در معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و در نگرش‌های اخلاقی، معنوی، فلسفی و حکمی، ساحت روحی و درونی نسبت به ساحت جسمانی اهمیت بیشتری دارد؛ اما به ساحت‌های جسمانی و ظاهری نیز توجه شده است.

۲.۵. جمع بین عاطفه و عقلانیت و تأثیر بر نگرش‌ها و گرایش‌های انسان: معنویت اسلامی به چند ساحت درونی انسان توجه دارد و بر سه نظام درونی انسان اثر می‌گذارد؛ معنویت اسلامی علاوه بر تأثیر در نظام اعتقادات و باورهای شخص، بر نظام نگرش‌ها و تفسیرهای او و نظام گرایش‌های و تمایلاتش نیز اثرگذار است. معنویت اسلامی، منحصر به ابعاد عاطفی و احساسی نیست؛ بلکه از ابعاد فلسفی و عقلانی نیز برخوردار است. عقلانیت و برخورداری از مبانی عقلانی، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل در نظریه معنویت اسلامی است. متأسفانه در دنیای کنونی و به خصوص در جهان غرب، معنویت به یک احساس، عاطفه، کشش و گرایش فرو کاسته شده است و الزاماً منطبق بر عقلانیت و منطق فلسفی نیست. معنویت در این دوره، برای بسیاری از افراد، یک نوع لذت و علاقه شخصی محسوب می‌شود.^۲

۳.۵. توجه به ابعاد فردی و اجتماعی: نظریه سلامت معنوی در دین مبین اسلام، فردی و درعین‌حال اجتماعی است و حتی ابعاد حماسی نیز در نظریه معنویت اسلامی اشراق می‌شود.

جامع‌تری موجود است. البته نمی‌توان مدعی شد هر شاخصی که در نگاه‌های عام‌تر وجود دارد، باید در منظرهای خاص نیز موجود باشد؛ بلکه در بعضی موارد شاید برخی شاخص‌های موجود در دایره عام‌تر، متباین با شاخص‌های موجود در دایره خاص‌تر محسوب شوند؛ ولی در اغلب موارد، دایره‌های خاص‌تر، علاوه بر برخورداری از معیارهای موجود در دایره‌های عام‌تر، از شاخص‌های متعین‌تر و دقیق‌تری برخوردار هستند. به کمک این نکته می‌توان الگویی برای مقایسه و تطبیق شاخص‌های معنویت از منظرهای پنج‌گانه طراحی کرد.

تحلیل معنویت و سلامت معنوی از منظر مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)

در بحث کنونی، تلاش بر این است که نظریه معنویت کلان از منظر اسلام و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بررسی و تبیین شود. دین مبین اسلام نظریه‌ای خاص در مورد معنویت، قدسی‌گرایی و جهان‌ماورای مادی دارد.

در منطق اسلام، معنویت، به دو نوع قابل تقسیم است:

نوع اول: معنویت خاص؛ مراد از این نوع معنویت، انجام مناسکی مانند نماز و حج است که در شریعت معرفی شده‌اند.

نوع دوم: معنویت عام؛ انسان می‌تواند با بهره‌مندی از نیت‌های الهی و گرایش‌های معنوی، تمام اعمال خویش را به عبادت تبدیل کند. در معنویت اسلامی این ظرفیت وجود دارد که تمام ساحات زندگی بشر، ذیل معنویت، قدسی‌گرایی و احساس متعالی قرار گیرد. این احساس قدسی و معنوی، می‌تواند حتی نشستن و ایستادن انسان را به امری الهی و معنوی تبدیل نماید و از این‌رومی‌تواند با توجه به کارکردهای متنوعی که دارد، آسایش و آرامش روانی ویژه‌ای را برای انسان به ارمغان آورد. بنابراین معنویت اسلامی می‌تواند از عبادت به معنای خاص عبور کند و تمام ساحات زندگی انسان را شامل شود.

الف) شاخص‌های معنویت به معنای عام

برخی از شاخص‌های معنویت به معنای عام به شرح زیر هستند:

۱. ابتنا بر واقعیت‌ها: تحولات درونی انسان، بریده از واقعیت‌های بیرونی نیست. نظریه معنویت از یک سو در دنیای باطن انسان و از سوی دیگر در نظریه‌های مرتبط با دنیای بیرونی مانند توحید، ولایت، آخرت و معاد تجسم یافته است و این دو دنیا کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند. این شاخص، معنویت اسلامی را از معنویت‌هایی درونی محض و مبتنی بر گزاره‌های تصنعی، خیالی، وهمی و خرافی جدا می‌کند.

۲. فطری بودن: در معماری درون بشر و ایجاد احساس معنوی، فطرت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵.

۲. سوره روم (۳۰)، آیه ۳۰.

۳. معنویت‌گرایی عاطفی و احساسی را می‌توان ناشی از تفکرات آگوست کنت دانست؛ ر.ک: هنری توماس، بزرگان فلسفه، ص ۳۲۱.

توحید می‌پردازند؛ ولی در الگوسازی معنویت اسلامی، عنصر عالم قدس، غیب و تجرد، مؤلفه‌ای محوری محسوب می‌شود و در این نظریه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند؛ در حقیقت، معنویت اسلامی از نگرش توحیدی، قدسی و تجرد محور برخوردار است.

۸. اتصال به ولایت الهی: معنویت‌گرایی اسلامی، علاوه بر بنیادهای توحید و توجه به عالم آخرت و معاد، از بنیادهای ولایی نیز برخوردار است. به‌طور کلی، معنویت راستین بدون اتصال به ولایت الهی که در اولیای الهی متجلی می‌شود، امکان‌پذیر نیست. در نگرش اسلامی و رویکرد اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به معنویت، اتصال به راهنمایان و مرشدان سلیم، اصل بسیار مهم برای هدایت انسان و دستیابی به لقای خداوند است.^۶

۹. تأکید بر شکوفایی حس متعالی و کشف و شهود: از منظر نظریه کلان معنویت اسلامی، ضمن پذیرش وجود مراتب گوناگون برای تعالی معنوی انسان، باید مرتبه‌ای برتر و راقی برای رشد معنوی بشر پذیرفت. در مراتب والای معنویت، درجه‌هایی برای مشاهده و اتصال با عالم غیب برای انسان گشوده می‌شود و می‌تواند به شهود و مکاشفه دست یابد.

۱۰. برخورداری از ابعاد پیشگیری، درمان و تعالی‌بخشی: نظریه معنویت اسلامی ضمن توجه به پیشگیری، درمان و سلامت‌بخشی معنوی، به ارتقا و تعالی معنوی انسان نیز توجه دارد. در واقع، نظریه سلامت معنوی از یک سو، به سلامت روحی و تأثیر آن در رفع بیماری‌های جسمی و روحی توجه دارد و از سوی دیگر، می‌تواند موجب تعالی و ارتقای انسان در ابعاد معنوی باشد.

۱۰.۱. پیشگیری: انسان با تنظیم زندگی خویش بر اساس دین مبین اسلام و نظریه معنویت اسلامی می‌تواند، به زندگی پر از آرامش دست یابد و از آسیب‌های گوناگون روحی که در زیست بشر بروز پیدا می‌کنند، رها شود.

۱۰.۲. رفع برخی از مشکلات بشر به کمک معنویت: با وجود اینکه کارکرد اصلی معنویت، مربوط به عالم ماورای ماده است، ولی کارکرد دنیوی آن نیز نفی نشده و معنویت‌گرایی به عنوان گنجینه‌ای محسوب می‌شود که به کمک آن می‌توان به درمان و راهنمایی بیماران پرداخت. معنویت می‌تواند علاوه بر معالجه نابه‌سامانی‌های شخصیتی و روحی، با واسطه بر جسم انسان نیز اثر بگذارد. در دانش روانشناسی و دانش اخلاق، به برخی از بیماری‌هایی توجه می‌شود که نظام شخصیت انسان را دچار تزلزل کرده و نابه‌سامانی‌های گوناگونی را در پی دارند. در ادامه برخی از مشکلات روحی و شخصیتی که به کمک معنویت قابل درمان هستند، بیان می‌شوند.

۴.۵. الهام زیست معنوی در تمام قلمروهای زندگی: معنویت اسلامی، علاوه بر لایه‌های درونی و باطن انسان، در رفتارها و سبک زندگی او نیز جلوه دارد. باید توجه داشت که سبک زندگی انسان مسلمان به امور عبادی مانند نماز و روزه محدود نمی‌شود؛ بلکه تمام قلمروهای زندگی مشمول این دایره هستند. معنویت اسلامی، با الهام یک زیست معنوی، به انسان در تمام زمینه‌ها - چه واجبات و چه مستحبات - سلامت و طراوت معنوی را هدیه می‌کند.

۵.۵. توجه همزمان به ابعاد درونی و مناسکی: معنویت اسلامی ضمن برخورداری از ابعاد قلبی و درونی، به آیین‌ها و شعائر نیز توجه دارد. این نکته به عنوان یکی از نقاط تمایز معنویت اسلامی از سایر نگرش‌های معنوی است. طبق این مؤلفه، نظریه معنویت اسلامی در یک نقطه اعتدال قرار می‌گیرد؛ از یک سو به سمت باطن‌گرایی محض گرایش پیدا نمی‌کند؛ از سوی دیگر نیز از ظاهر‌گرایی سطحی و به دور از احساسات باطنی و عمیق - برخلاف برخی از نحله‌های صوفیه - فاصله می‌گیرد. بنابر دیدگاه صحیح در معنویت اصیل اسلامی، انسان همواره و در تمام مراتب نیل به عالی‌ترین درجات عرفانی و سیر و سلوک معنوی باید به مناسک شرعی، نقشه راه و تجلیات بیرونی معنویت مقید باشد.

۶.۵. جمع بین ابعاد دنیوی و اخروی: معنویت اسلامی، علاوه بر آثار و دستاوردهای دنیوی، پیامدها و دستاوردهای گسترده اخروی دارد. تأثیر دستاوردهای فرادنیوی معنویت اسلامی، از لحظه مرگ شروع می‌شود و تا عالم قیامت ادامه پیدا می‌کند. این دستاوردها در آیات و روایات گوناگون بیان شده‌اند.^۱ در واقع، اگرچه برخی از معنویت‌های مرسوم در میان به سیر تکاملی انسان و معاد اعتقاد ندارند، اما معنویت اسلامی، در کنار توجه به عالم دنیا، معنویتی معادمحور، فرادنیوی و اخروی محسوب می‌شود و افقی برتر نسبت به سایر معنویت‌ها ترسیم می‌کند.^۲

۶. نظام‌وارگی، انسجام، توازن و ضابطه‌مندی: معنویت اسلامی، نظام‌واره، منسجم، متعالی و متوازن با سایر ساحت‌های وجودی انسان - سلامت در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و سایر ابعاد - است.

۷. ابتنا بر توحید ناب و قدسی‌گرایی: در بین نظریه‌های معنوی، برخی فضیلتی معرفتی برای نفی گزاره‌های مابعدالطبیعی قائلند؛^۳ برخی به عالم قدس و توحید اعتقاد ندارند؛^۴ همچنین برخی - مانند معنویت رایج در برخی از فرقه‌های مسیحیت - فراطبیعی و وحیانی هستند، اما به نفی

۱. در سوره نساء آمده است (سوره نساء (۵)، آیه ۱۳۴): «فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

۲. امام صادق (ع) می‌فرماید (محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶): «لَيْسَ مِمَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَا لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَا».

۳. خداوند متعال در سوره روم می‌فرماید (سوره روم (۳۰)، آیه ۷): «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ».

۴. برای نمونه، برخی از معنویت‌های پست‌مدرن از این قبیل‌اند:

Jorge N. Ferrer and H. Sherman Jacob, The Participatory Turn: Spirituality, Mysticism, Religious Studies, p 24.

5. Ewert Cousins, Christ of the 21st century, p 35. Dalai Lama, Ethics for the new Millennium.

۶. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید (سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۱): «قُلْ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ».

معنویت به معنای خاص، صرفاً عاطفی نیست؛ بلکه در آداب معنوی اسلام، به ابعاد معرفتی، عقلانیت و تأثیر معنویت بر نگرش‌ها و گرایش‌های انسان نیز توجه شده است. محتوای عبادات اسلامی، سرشار از معارفی است که علاوه بر ابعاد معرفتی و شناختی، در انگیزه‌ها و رویکرد انسان به زندگی و عالم هستی می‌توانند مؤثر باشند.

معنویت خاص اسلامی، می‌تواند بر سایر ابعاد زندگی و هستی انسان نیز اثرگذار باشد؛ برای نمونه خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱. بنابراین آیه شریفه، عبادت‌های انسان می‌تواند در زندگی او تأثیر بگذارد و از انحراف او جلوگیری کند. معنویت خاص اسلامی، از آداب و مناسکی ویژه برخوردار است. این معنویت، علاوه بر تأثیرات اخروی، نتایج و برکات دنیوی نیز دارد. عبادات در دین مبین اسلام، از انسجام، توازن، نظام‌مندی و ضوابطی ویژه برخوردار هستند. در عبادت‌های گوناگون به اهمیت ولایت اولیای الهی توجه شده است. علاوه بر آنکه در عبادت‌های مختلفی مانند نماز، به تقرب و احترام به اولیای الهی و به خصوص پیامبر اکرم (ص) عنایت ویژه وجود دارد، بخشی از اعمال معنوی که در دین مبین اسلام معرفی شده‌اند، به طور خاص به معرفت معصومان (علیهم‌السلام) و توسل به ایشان اختصاص دارند. همچنین معنویت خاص اسلامی می‌تواند علاوه بر تعالی بخشی به انسان، در رفع برخی از مشکلات بشر تأثیرگذار باشد. برای نمونه، انسان می‌تواند با تقید به عباداتی مانند نماز، به ارتباط خویش با خداوند متعال غنا بخشد و ضمن کسب آرامش و تعالی روحی، از آسیب‌های روحی از قبیل حس محرومیت، نگرش منفی به جهان هستی، پوچ‌گرایی و ترس از مصیبت‌ها و سختی‌ها و بی‌تابی در مواجهه با ناکامی‌ها و شکست‌ها رها شود.

نتیجه‌گیری

باید نظریه معنویت اسلامی مورد استنباط، بررسی و تحلیل قرار گیرد و به عنوان نقشه راه معرفی شود؛ سپس تحقیقات میدانی برای تکمیل آن صورت پذیرد. این نظریه تفسیرهایی را ارائه می‌دهد که آسیب‌های معنویت را به حداقل می‌رساند یا رفع می‌کند. همچنین نتیجه بهره‌گیری از آن، تربیت انسان‌ها در تراز مناسب معنوی و روحی است. این نظریه با واقعیت‌های جهان هستی در ارتباط است و می‌تواند بر دنیای بیرونی مؤثر باشد. برای ارتقاء دانش روان‌شناسی باید این دانش را بر تفسیر، نگرش و رویکرد صحیح معنویت اسلامی مبتنی کرد. تاکنون تحقیقات گوناگونی در ایران اسلامی و جهان غرب بر مسئله معنویت و تأثیر آن بر روان‌شناسی و روان‌پزشکی انجام شده است، اما برای بهبود کیفیت این تحقیقات باید به

- ارزیابی‌های غیر صحیح بشر از خویشتن
 - حس محرومیت
 - حس فقر معنوی و فطری
 - نگرش منفی به جهان هستی و پوچ‌گرایی
 - ترس از مرگ
 - ترس از بیماری‌ها
 - ترس از مصیبت‌ها و سختی‌ها و بی‌تابی در مواجهه با ناکامی‌ها و شکست‌های فردی
 - بی‌تابی در برابر بلایای اجتماعی و طبیعی
 - رفتار غیر متعادل در بهره‌گیری از لذت‌ها و خوشی‌ها
- ۳.۱۰. تعالی روحی و معنوی؛ کارکرد اصلی معنویت در اسلام: بحث ارتقا بخشی و تعالی بخشی معنویت در بسیاری از آیات^۱ و روایات^۲ مورد تأکید قرار گرفته است. باید توجه داشت که کارکرد اصلی و بالذات معنویت، تعالی روحی و معنوی و میل انسان به خداوند متعال و جهان آخرت است. در اصل معنویت ناب اسلامی، کارکردی ماورایی و معطوف به سلوک‌الی‌الله دارد.

ب) شاخص‌های معنویت به معنای خاص

از نگاه دین مبین اسلام معنویت خاص از شاخص‌هایی برخوردار است که آن را از سایر معنویت‌های رایج در بین جوامع بشری متمایز می‌کند. معنویت خاص اسلامی، برخاسته از امور وهمی و خیالی نیست؛ بلکه با عالم واقعیت ارتباط دارد و مبتنی بر حقایق هستی‌شناختی و موجود در عالم است. به بیان دقیق‌تر، معنویت خاص نیز معنویتی واقع‌گرا و مرتبط با توحید، عالم قدس و فراطبیعت محسوب می‌شود. امور معنوی اسلامی - مانند زیارت‌ها و عبادت‌ها - از یک سو، برخاسته و مرتبط با فطرت انسان و از سوی دیگر اختیاری هستند. برای این امور، مراتب گوناگونی قابل تصور است و از این رو، باید عبادات و معنویت را تشکیکی دانست. در عبادت‌ها و معنویت خاص اسلامی، صرفاً به ابعاد فردی انسان توجه نشده است؛ بلکه عبادت‌های اصیل اسلامی، از ابعاد اجتماعی نیز برخوردارند. در معنویت عام سخن از تجلی معنویت در ساحت‌های گوناگون زندگی انسان بود. برای نمونه، معنویت عام در نظام اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی نیز کرد پیدا می‌کند؛ اما در معنویت خاص، سخن از آن است که در عبادات انسان، رویکردها و جنبه‌های گوناگونی مانند رویکردهای اجتماعی نیز وجود دارد و معنویت اسلامی، صرفاً به ابعاد فردی انسان محدود نمی‌شود.

۱. برای مثال، سوره فتح (۸)، آیه ۴: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا بِإِيمَانٍ مَعَ إِيْمَانِهِمْ».

۲. برای نمونه، محمد شریف الرضی *نهج البلاغه (للصّحی صالِح)*، ص ۵۴۵: «وَقَالَ؟ ع؟ أَلَا وَ إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدَّ مِنَ مَرَضِ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ أَلَا وَ إِنَّ مِنْ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ وَ أَفْضَلَ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ».

۳. سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.

و عملی نیز اهمیت داد. در واقع، بسیاری از نظریاتی که شاید از منظر تحقیقات بنیادین و ابتدایی، بسیار قطعی و متقن به نظر برسند، در مقام آزمایش قابل اثبات نباشند. البته نباید در این مسئله دیدگاه‌های پوزیتیویستی محض و نافی اهمیت تحقیقات نظری را مبنا قرار داد.

یک نکته مهم توجه داشت. صرفاً با طراحی نقشه جامع و سپس تعریف پروژه‌های متعدد تحقیقاتی ذیل این طرح جامع می‌توان با پشتوانه‌ای قوی به بحث روان‌شناسی با نگرش معنوی و اسلامی وارد شد. در این عرصه، توجه به مباحث روش‌شناسی اهمیتی ویژه دارد و باید در کنار تحقیقات بنیادین و نظری، به تحقیقات آزمایشگاهی

Original

Macro Philosophical-Jurisprudential View on the Issue of Spiritual Health from the Perspective of Islam (Third Part)

Alireza Aarafi*¹

Abstract

Background: The purpose of this article is to explain the comprehensive theory of spirituality from the perspective of Islam. This theory has the dimensions of "theological-philosophical", "Jurisprudential-legal", "ethical-axiological" and "historical-civilizational", and in addition to spiritual transcendence, it can be used in the prevention and treatment of physical, mental, psychological and social disorders.

Methods: This article has been compiled using the Holy Quran, Nahjul-Balaghah and religious texts and documents.

Results: According to the macro theory of spirituality from the point of view of Islam and Ahl ul-Bayt (as), spirituality has the following characteristics: meta-dimensional, comprehensive of emotion and rationality and reasoning, comprehensive of worldly and otherworldly dimensions, possessing internal and ritual dimensions, comprehensive individual and social dimensions, possessing intention to physical and mental and psychological health, combined with lifestyle and inspiring spiritual life, infusing spiritual sense in the inner and metaphysical layers, systematic, coherent, balanced, disciplined, possessing monotheistic and holy approach, connecting to divine Vilayet, innate and at the same time, voluntary, possessing various levels, and possessing remedial and transcendental dimension.

Conclusion: In addition to transcendence, the macro theory of Islamic spirituality can be used in the treatment and prevention of physical, mental, psychological and social problems. It is worthy to infer this theory with the help of Ijtihad attitude, and to be done all researches and actions in the field of spiritual health based on this theory.

Keywords: Health, Islam, Spiritual Health, Spirituality

منابع

1. Al-Kulayni M. Al-Kafi. Tehran: Darolkotob-Al-Eslamieh; 1987.
2. Thomas H. Biographical encyclopedia of philosophy. Translated by: Fereydoun Badrei. Tehran: Keyhan; 1986. [In Persian]
3. Ibn Babawayh M. Man La Yahduru al-Faqih. Qom: Seminary Scholar's Community; 1993.
4. Ferrer JN, Sherman HJ. The Participatory Turn: Spirituality, Mysticism, Religious Studies. New York: State University of New York Press; 2008.
5. Dalai Lama. Ethics for the new Millennium. New York: Riverhead Books; 1999.
6. Sayyed Razi M. Nahj al-Balagha. Qom: Hejrat; 1994.

1. * Corresponding Author: Head of the Seminaries throughout country